

نامه سرگشاده به تیم مذاکره کننده گان ایران

خدمت مذاکره کنندگان محترم ایران ،

بعضی از شما احتمالاً مرا از زمان خدمتم در تیم مذاکرات هسته‌ای آمریکا به یاد می‌آورید. اگر چه بیشتر از یک سالی است که من کارم را در دولت آمریکا ترک کرده‌ام، اما سعی می‌کنم با دقت جریان مذاکرات را دنبال کنم، و از مهارت و عزم راسخی که شما و هم‌منظور تیم آمریکایی و همه طرفین از خود نشان داده‌اید، خیلی تحت تأثیر قرار گرفته‌ام.

اگر چه شما یک مهلتی از این برنامه سخت مذاکراتی به دست آورده‌اید و فرصتی پیدا کردید که جبران بی‌خوابی‌های تان را بکنید و وقت با خانواده تان صرف کنید، ولی با نشست اخیر تان با آمریکایی‌ها در شهر ژنو این تعطیلی شما یک مرخصی کوتاه بود. من فکر می‌کنم این یک نشانه‌ای است از جدیت رویکرد تهران و واشنگتون در مورد این مذاکرات. شما در حال حاضر در حال مشورت فشرده با همکار هایتان در تهران هستید، از جمله ارزیابی و برنامه‌ریزی گام‌های بعدی.

تصمیم شما برای تمدید مذاکرات تا ۲۴ نوامبر انتخاب درستی بود. شما و طرفین دیگر خواستار آن بودید که به یک راه حلی جامع تا ۲۰ جولای برسید، اما تحقق این هدف غیرممکن از آب در آمد. اما به توجه به پیشرفت محتوایی‌ای که درباره موضوعات مهمی مانند راکتور اراک و تاسیسات هسته‌ای فردو حاصل شده است، توقف این پیشرفت در ماه جولای نه تنها فرصتی از دست رفته بلکه اشتباهی تاریخی به شمار می‌رفت.

شما بهتر از من می‌دانید که کار زیادی از حالا تا ۲۴ نوامبر پیش رو دارید. شما با مشکلات پیچیده فنی و سیاسی زیادی روبرو هستید. حتی اگر شما تا بیستم جولای در مورد همه مسائل به توافق اصولی رسیده بودید، حصول توافق بر سر تمام جزئیات مربوطه قبل از اتمام مهلت یک چالش بسیاری بزرگی بود. اما هنگام نزدیک شدن به مهلت ۲۰ جولای تعدادی از این مسائل بسیار سخت حل نشده باقی مانده بود، حتی در حوزه‌هایی که پیشرفت‌های قابل توجهی حاصل شده بود.

شاید سخت‌ترین موضوعی که با آن روبرو هستیم، یعنی جای بزرگترین شکاف و فاصله ای بین مواضع ایران و گروه ۵+۱، موضوع ظرفیت غنی‌سازی ایران در چارچوب توافق برنامه اقدام مشترک جامع (CJPOA) است. به نظر من این موضوع محوری مذاکرات است، که یا به پیروزی یا به شکست آن خواهد انجامید. اگر این موضوع حل شود، به نظر من توافق برسرکل مسائل دیگر دست‌یافتنی خواهد بود، اگر چه نه بدون مشکلات. اما شکست در رسیدن به توافق برسر موضوع ظرفیت غنی‌سازی به معنای شکست در مذاکرات است.

شکاف موجود بین مواضع طرفین بزرگ است. ایران می‌گوید که برای تولید سوخت راکتور بوشهر احتیاج به یک برنامه غنی‌سازی در مقیاس صنعتی دارد، و این ظرفیت قبل از خاتمه قرارداد تامین سوخت هسته‌ای روسیه – ایران باید آماده و راه‌اندازی شود. کشورهای ۵+۱ می‌خواهند ایران ظرفیت فعلی غنی‌سازی ایش را به چند هزار سانتریفیوژ نسل اول کاهش دهد، و آنها استدلال می‌کنند که چنین ظرفیتی برای احتیاج ایران به تولید سوخت برای چند راکتور تحقیقاتی کافی است، و آن‌ها اعتقاد دارند که احتیاج ایران برای سوخت راکتور نیروگاه بوشهر می‌تواند با تمدید قرارداد با روسیه، با اطمینان بالا و هزینه‌های پایین، تأمین شود.

من مطمئنم از دیدگاه ایران، منطق تلاش‌ها در جهت به دست آوردن هر چه زودتر ظرفیت مستقل تولید سوخت برای راکتور نیروگاه هسته‌ای باید خیلی قانع‌کننده باشد. زمان و منابع زیادی توسط ایران در برنامه هسته‌ای اش صرف شده است. ایران بحق از دست‌آوردهای دانشمندان اش افتخار می‌کند، و اعتقاد دارد که به عنوان یک کشور عضو NPT حق دارد که برنامه هسته‌ای اش طبق اختیار و تصمیم خود پیش‌ببرد. با توجه به باور ایران که غرب سعی کرده است از وابستگی ایران در مورد واردات راهبردی مهم برای مقاصد سیاسی خود سوء استفاده کند، منجمله تجربه مایوس‌کننده ایران در مورد کنسرسیوم غنی‌سازی اورانیوم ایورودیف (Eurodif)، تهران از اتکاء زیاد به عرضه‌کنندگان خارجی اورانیوم غنی‌شده خیلی نگران شده است. البته یک بُعد مهم سیاسی و حتی احساسی در مورد موضع ایران وجود دارد. با تلاش‌های فراوان ایران در راستای رسیدن به مرحله فعلی برنامه هسته‌ای، برخلاف کوشش‌های جامعه جهانی برای جلوگیری آن، مردم ایران برنامه هسته‌ای را یک نماد افتخار ملی، پشتکار، و استقلال می‌دانند و شدیداً در مقابل آنچه تلاش‌های خارجی جهت تهدید و جلوگیری این برنامه را می‌دانند حساس هستند.

اما در نظر مخاطبان در آمریکا و در کشورهای ۵+۱، منطق ایران برای ظرفیت غنی سازی در مقیاس صنعتی در آینده نزدیک نه تنها متقاعد کننده نیست بلکه مشکوک بنظر می رسد. در نظر این مخاطبان از نقطه نظر یک برنامه هسته غیر نظامی منطقی، اصرار ایران برای بالا بردن ظرفیت غنی سازی اش بطور زود هنگام و سریع منطقی به نظر نمی رسد. آنها می پرسند چرا ایران مایل نیست نیاز سوخت بوشهر را با تمدید قرارداد با روسیه تأمین کند:

- از اینکه تأمین سوخت از روسیه، حد اقل در حال حاضر، گزینه اقتصادیتر و امنتری است؛

- از اینکه تولید سوخت بسیار تخصصی بوشهر در چنین زمان کوتاهی چالش بزرگ فنی است، مخصوصاً بدون کمک روسیه؛

- از اینکه گروه ۵+۱ آماده کمر همت بستن در راه دادن ضمانت ها در مورد عدم اختلال در عرضه سوخت است، منجمله ذخیره سازی چند ساله سوخت یدکی در ایران.

آنها همین طور می پرسند چرا ایران کاهش ظرفیت فعلی غنی سازی اش را در زمان CJPOA قبول نمی کند:

- از اینکه فقط ظرفیت خیلی محدود برای نیازهای عملی کوتاه ایران برای سوخت چند راکتور تحقیقاتی لازم است؛

از اینکه کارشناسان هسته ای ایران تشخیص می دهند که نسل فعلی سانتریفوژهای وصل شده مناسب برنامه پیشرفته غیر نظامی هسته ای نیستند و باید در هر صورت از رده خارج شوند.

بعضی از ناظران در کشورهای گروه ۵+۱ توضیح نر می برای طرح های ظاهراً غیر منطقی برنامه غیر نظامی ایران می دهند. آنها ادعا می کنند که غرب ترس واقعی ایران از وابسته بودن به عرضه خارجی را دسته کم می گیرند، که کارشناسان هسته ای ایران واقعاً اعتقاد دارند که می توانند بر مشکلات فنی و موانع دیگر برای تولید سوخت راکتور بوشهر تا سال ۲۰۲۱ قالب شوند، که کابینه روحانی تحت فشار شدیدی از طرف منتقدان داخلی اش است تا پیشنهادات گروه ۵+۱ را قبول نکنند، حتی اگر این پیشنهادات با احتیاجات منطقی برنامه هسته ای غیر نظامی سازگار باشند.

اما سایر صاحب نظران توضیح نه چندان نرمی دارند. آنها معتقداند که ایران با رد درخواست کاهش ظرفیت فعلی غنی سازی خود و با اصرار بر آزادی گسترش چشم گیر این ظرفیت تا سال ۲۰۲۱ قصد حفظ کردن گزینه تولید مقدار کافی اورانیوم با غنای تسلیحاتی دارد که بتواند در چند هفته سلاح هسته ای تولید کند.

قابل درک است که ایران خواستار آن است که جامعه بین المللی بدون مکث و تردید ادعاهای ایران در مورد نیت صلح آمیزش را بپذیرد و تأیید کند، و کار کسب اعتماد به نیت صلح آمیز ایران را مانند کار تأیید نیت صلح آمیز بقیه کشورهای عضو NPT به حساب بیاورند، و هنگام بررسی احتیاجات و شرایط راه حلی جامع فقط به جلو نگاه کنند و نه به عقب

اما شرایط مربوط به مسئله هسته ای ایران این طرز عمل را برای کشورهای ۵+۱ و جامعه وسیعتر بین المللی غیر ممکن می سازد. همین طور که شما به خوبی می دانید، آمریکا و بسیاری از کشورهای دیگر اعتقاد دارند که حد اقل تا سال ۲۰۰۳ و شاید بعد از آن، ایران به طور فعال و منظم در تحقیق، آزمایش، و تدارکات مربوط به توسعه سلاح هسته ای مشغول بوده است. علاوه بر این، آنها اعتقاد دارند ایران گزینه دنبال کردن سلاحهای هسته ای را حفظ کرده است، حتی اگر همینطور که جامعه اطلاعاتی آمریکا کماکان نتیجه گیری می کند که تهران هنوز تصمیمی برای اجرای این گزینه نگرفته است.

من می دانم که شما شدیداً و قاطعانه این نتیجه گیری ها و جمع بندی ها را رد می کنید، و نمی خواهید اینها بعنوان دلیل و توجیه برای محدودیت های خاصی و اقدامات نظارتی استفاده شوند، و گروه ۵+۱ اصرار داشته باشد این عناصری راه حلی جامع باشد. من همینطور می دانم در ایران بسیاری اعتقاد دارند که آمریکا واقعاً نگران برنامه هسته ای ایران نیست اما بهانه تراشی کرد که "سلاح هسته ای ایران تهدید است"، تا فشار سیاسی و اقتصادی بر ایران قوی و مستقل بیاورد، بخاطر اینکه واشنگتن ایران را به عنوان مانع در راه تأمین منافع منطقه ای و استراتژیک خود می بیند. اما این دیدگاه ایرانیان در مورد انگیزه آمریکا برای تمرکز شدیدش بر برنامه هسته ای ایران درست نیست. از دیدگاه آمریکا، نگرانی در مورد نیت و ماهیت برنامه هسته ای ایران واقعی، قوی، و مستدل است و آن نگرانی ها زمینه اساسی برای مذاکرات محسوب می شوند، و برای رفع آن زمان زیادی می خواهد.

من درست نمی‌دانم آیا ایران این خواسته برای دست یابی به سلاح هسته ای را داشته باشد— من شخصاً، می‌گویم آیا ایران کماکان این خواسته را داشته باشد— ولی من خوب می‌دانم که مگر اینکه ایران آماده پذیرش نوعی اقدامات حاصل شده از طریق مذاکرات که اطمینان دهد ماهیت برنامه هسته ای ایران صرفاً صلح آمیز است و چنین باقی خواهد ماند، حصول یک توافق غیر ممکن خواهد بود.

مقامات ارشد ایرانی مکرراً گفته‌اند ایران علاقه شدیدی برای رفع ابهامات و کاهش نگرانی‌های بین‌المللی— حتی اگر اینها را غیر قابل توجیه می‌دانند. اما اصرار ایران برای راه اندازی یک برنامه غنی سازی در مقیاس صنعتی تا سال ۲۰۲۱— که توان “گریز هسته ای” در فقط چند هفته می‌دهد— این نگرانی‌ها را کاهش نمی‌دهد، بلکه آن را به شدت افزایش می‌دهد.

سخنگویان ایرانی مدعی آن اند که با اعلام اینکه منظور طرح برنامه غنی سازی در مقیاس صنعتی فقط و فقط تأمین سوخت نیروگاه‌های هسته ای است، ماهیت برنامه هسته ای ایران اثبات شده است.

برای شما تعجب آور نباید باشد که چنین استدلال‌ها اصلاً قانع کننده نیستند

حالا وقت آن فرا رسیده است که طرفین مذاکرات تصمیمات سختی در راه حل موضوع ظرفیت غنی سازی بگیرند. اگر در ماه سپتامبر با همان موضعی که در ماه جولای داشته‌اند به پای میز مذاکرات برگردند، با امید اینکه طرف مقابل در لحظه آخر کوتاه بیاید، - احتمال بسیار قوی است که آن مواضع محکمتر شوند و طرفین همین طور که ۲۴ نوامبر نزدیک می‌شود، خودشان را با انتخاب مشکل بین پایان دادن به روند مذاکرات یا تمدید مجدد آن روبرو خواهند شد، و آنها در اثر این اجازه تداوم می‌برای ادامه نا محدود مذاکرات مورد هدف انتقادات قوی داخلی قرار بگیرند.

اما با طرح مواضع نسبتاً خاص و متناقض بطور عمومی توسط هر دو طرف— که بر اساس درک متفاوتی از نیازهای عملی برنامه هسته ای غیر نظامی ایران است— رسیدن به دیدگاه‌های مشترک کار آسانی نخواهد بود.

آبرای نزدیکتر کردن این دو رویکرد های ظاهرا متناقض، ممکن است تمرکز بر متغیر زمان مفید باشد - - که با تحقق اهداف کشور های ۱+۵ در مدتی کوتاه تر و با دستیابی ایران به آزادی و ظرفیت تکنیکی برای تحقق اهداف اعلام شده خود در مدتی کمی بلندتر، ممکن است یک چنین رویکردی حاوی ویژگی های اساسی زیر است، و آنها را برای ارزیابی شما ارائه می دهم. لطفا آن را بعنوان جمع بندی شخصی من در مورد آنچه می تواند منافع هر دو طرف را تأمین کند بپذیرید، البته شما بهتر می توانید در مورد آنچه منافع ایران را تأمین کند قضاوت کنید:

- در طول مدت زمان CJPOA، ظرفیت غنی سازی ایران را به چند هزار سانتریفوژ نسل اول یا تعداد کمتری نسل دوم (IR 2ms) محدود خواهد بود، یک ظرفیت کافی برای تأمین نیاز سوخت راکتور های تحقیقاتی برنامه ریزی شده. با توجه به نیاز سوخت در حل تحول راکتور تحقیقاتی ایران و همین طور اجرا CJPOA و همکاری با IAEA (از جمله با تحقیقات در مورد ابعاد احتمال نظامی برنامه هسته ای ایران) ممکن است سقف این محدودیت در قسمت آخر CJPOA بالا رود اگر مدت زمان به اندازه کافی طولانی باشد.

- در طول CJPOA ایران مجاز به پرداختن به فعالیت های مختلف غیر نظامی هسته ای خواهد بود که آن را قادر می سازد که در کوتاه مدت از منافع مهمی بهره مند شود، هنگامی که ایران هم آماده می شود در مدت بلندتر بسوی ظرفیت پیشرفته حرکت کند، به نحوی سریع و معتبر از نظر فنی، همانطور طبق توضیح ایران هدف مد نظر خود است. برخی از این فعالیت ها با همکاری کشورهای ۱+۵ و کشورهای دیگر خواهد بود. به عنوان مثال، ایران و کشورهای دیگر می توانند در تغییرات جزئی راکتور اراک همکاری کنند؛ طراحی، ساخت، سوخت رسانی راکتور تحقیقاتی آب سبک، که ایران قصد ساخت آن دارد، و شاید در آینده کاری در برنامه ریزی ساخت راکتور نیروگاه بومی. با توجه به محدودیت های مرزی طرفین و ترتیبات ویژه نظارتی ایران مجاز به پرداختن در تحقیق، توسعه، و آزمایش سانتریفوژ های پیشرفته خواهد بود. علاوه بر این با حمایت روسیه، کارشناسان ایرانی می توانند در طراحی، تولید سوخت از نوع بوشهر آموزش دیده، و شاید به طور مشترک سوخت در روسیه تولید شود و در نهایت انتقال کار تولید به خاک ایران شود.

- با پایان CJPOA ایران آزاد خواهد بود - اگر صلاح بداند اورانیوم غنی شده برای مصارف نیروگاه های هسته ای تولید کند - ظرفیت غنی سازی اش را زیاد کند، از جمله تولید انبوه، نصب و راه اندازی سانتریفوژ های پیشرفته که در دوره CJPOA توسعه یافته و آزمایش شده است. در حالی که برخی از اقدامات اعمال شده در دوران CJPOA بعد از اتمام آن باقی خواهند ماند (مثلا ممنوعیت بازآوری، پایبندی به پرتکل الحاقی، نظارت ویژه از تولید سانتریفوژ)، بطور کلی ایران مجاز به دنبال کردن برنامه های هسته ای غیر نظامی خود به شیوه ای و با سرعتی دلخواه خود خواهد بود.

در این چارچوب که پیشنهاد شده بمنظور پرداختن به مسئله ظرفیت غنی سازی، جزئیات حیاتی باید بررسی شوند و مورد قبول قرار گیرند. حساس ترین از این جزئیات مدت زمان CJPOA خواهد بود. بمنظور ایجاد اعتماد که ماهیت برنامه هسته ای ایران صلح آمیز است و باقی خواهد ماند، بنظر من مهم است توافق کنیم که مدت زمان این توافق ۱۵ ساله باشد، اما من می دانم که تمایل ایران به پذیرش چنین مدت زمان به طور قابل توجه بستگی دارد به انواع فعالیت هایی که تحت CJPOA میتوانند انجام دهند، و بخصوص آیا ایران این فعالیت ها را برای پیشبرد برنامه اش و آماده سازی برای دوران بعد از خاتمه CJPOA ارزشمند دانند یا خیر.

اساسا این چارچوب از ایران می خواهد از اهداف غیرنظامی هسته ای اعلام شده خود در حال حاضر دست بردارد ولی آن را ترک نکند. مطمئنا در ایران برای چنین نوع تأخیری مخالفتی وجود دارد. اما چنین رویکردی مزایا و محسنات زیادی دارد.

این طرز کار پیشنهادی یک چارچوب واقع بینانه تری برای دنبال کردن برنامه های اعلام شده ایران ارائه می دهد. جای بسیار تردید است که ایران قادر باشد به تنهایی تولید سوخت نیروگاه بوشهر تا سال ۲۰۲۱ بکند. طرح فعلی ایران موفقیت فوق العاده سریع را در توسعه، آزمایش، تولید انبوه، و نصب سانتریفوژ های پیشرفته را فرض می کند. همچنین فرض بر این است که بدون کمک روسیه و حتی درقبال مخالفت روسیه، ایران می تواند سوخت امن (از نظر فنی) طراحی، تولید کند. هر دو فرض غیر واقعی می باشند. با صرف مدت زمان بیشتری، ایران می تواند در مورد کسب مهارت های لازم جهت تحقق اهداف هسته ای خود (هرچه باشد) مطمئن تر باشد

این چارچوب پیشنهادی به هیچ وجه مانع توانی ایران برای بر طرف کردن نیازهای آن برای تحقیقات هسته ای، تولید ایزوتوپ، یا برای تولید برق نخواهد بود - یعنی اهداف اصلی هر برنامه هسته ای غیر نظامی ایران. حتی با کاهش قابل توجه ظرفیت غنی سازی در دوره CJPOA، ایران قادر به تولید اورانیوم غنی شده کافی برای احتیاجات راکتورهای تحقیقاتی ای که در نظر دارد بسازد در دوره CJPOA خواهد بود. علاوه بر این با تمدید قرارداد تامین سوخت بوشهر با روسیه و ایجاد ترتیبات ویژه برای محافظت در مقابل امکان اختلال در عرضه، ایران می تواند مطمئن باشد که احتیاجات تولید برق با اطمینان و ایمنی، و بطور اقتصادی تأمین شوند.

(بعنوان جمله معترضه عرض می کنم که ایران نباید عرضه سوخت از طرف خارج برای یک مدت بیشتری را به عنوان نشانه ای از وضعیت درجه دومشان از نظر جایگاه برنامه انرژی هسته ای اش بدانند کشور ژاپن برای بیشتر اورانیوم غنی شده اش به عرضه کنندگان خارجی تکیه کرده است. کره جنوبی هم، با یکی از بزرگترین برنامه های هسته ای در جهان، به طور انحصاری به عرضه کنندگان خارجی تکیه دارد. شاید باعث تعجب شما باشد که برای نزدیک به دو دهه، ایالت متحده آمریکا نیمی از نیازهای سوخت راکتور خود را با وارد کردن اورانیوم غنی شده از سلاح های برچیده شده هسته ای اتحاد جماهیر شوروی که تامین می کرد، و امروز با بسته شدن کارخانه غنی سازی از طریق انتشار گازی و همینطور عملیات URENCO در ایالت نیو مکزیکو، که اجازه دسترسی ایالت متحده آمریکا به تکنولوژی آتش را نمی دهد - هیچ اورانیوم غنی شده برای سوخت راکتورهای نیروگاه های هسته ای آمریکا با استفاده از تکنولوژی آمریکا تولید نمی شود.

یکی دیگر از مزایای قابل توجه از این چارچوب پیشنهادی این است که می تواند همکاری هسته ای را با ۱+۵ و کشورهای دیگر در طیف گسترده گسترش دهد. در حالیکه ایران بحق از دست آوردهای دانشمندان هسته ای خود که به تنهایی بدست آورده اند افتخار می کند، دانشمندان ایرانی از همکاری بین المللی هسته ای بهره مند خواهند شد که چنین همکاری پدیده عادی و روزمره در صنعت متصل به هم هسته ای دینا . بنابراین در حالیکه رویکرد مطرح شده توسط من می تواند تا حدودی مدت زمان ایران برای رسیدن به اهدافش طولانی تر کند، زیان هر نوع تأخیری پیشرفت های عمده ای که از طریق همکاری حاصل شود جبران خواهد شد

من می‌دانم که این برهان و دلایل من منتقدان ایرانی را کاملاً راضی نمی‌کند. از آنها انتظار می‌رود که ادعا کنند که چارچوب پیشنهادی من ایران را به دادن امتیازهای بیشتری نسبت به گروه ۱+۵ مجبور کند. اما این ادعای درستی نیست. چون چنین ادعا امتیازات بزرگی را که ایالت متحده آمریکا و همکاری‌هایش تا بحال داده‌اند نا دیده می‌گیرد (از جمله آنچه مربوط به غنی‌سازی، تحریم‌ها، و تأسیسات اراک و فردواست)، و همین‌طور امتیازات اضافی لازم تحت این چارچوب (مانند اجازه تحقیق و توسعه بر سانتریفوژهای پیشرفته)، و همچنین مصالحه‌های لازم جهت حصول توافق بر سر مسائل دیگری مربوط به CJPOA— — که همه آنها به شدت مورد حمله از سوی منتقدان آمریکایی قرار می‌گیرند، که درست مثل منتقدان طرف ایرانی ادعا می‌کنند که طرف دیگر برنده توافق و طرف خود بازنده سده است این ایرادات پیش‌بینی شده از طرف منتقدان ایرانی منفعت و امتیاز اساسی را که از توافق هسته‌ای به دست می‌آورند نا دیده می‌گیرند — یعنی فرصت رو برا کردن اقتصاد خود و از این قرار قادر ساختن مردم ایران تا از زندگی عادی تری و موفق تری بهره مند شوند.

البته مردم ایران افراد کاردان و انعطاف پذیر هستند، و در صورت لزوم، می‌توانند بدون حصول توافق، با بهترین نحو ممکن با فشار مداوم و حتی مضاعف مقابله کنند. اما مردم ایران سزاور بهتری از این کار باصطلاح بسوز و بساز هستند و من تصور می‌کنم که آنها این واقعیت را خوب درک کنند که مادامیکه این رویارویی در مورد برنامه هسته‌ای حل نشود، این معضله هسته‌ای مثل لنگری خواهد ماند که با وزن سنگینش جلوی پیشرفت ایران را بگیرد و مانع بالفعل کردن ظرفیت بالقوه ایران خواهد شد.

ایالت متحده آمریکا و متحدانش خوب می‌دانند که نباید قدرت اراده ملی ایران را در راستای مقاومت در برابر فشار و حفاظت از آنچه که در نظر آنها حقوق و منافعشان به حساب می‌یاید، دست کم بگیرند. اما ایران هم نباید قوت اراده آمریکا را مبنی بر اینکه هر توافقی حاوی استانداردهای بالای لازم است برای کسب اطمینان که ماهیت برنامه هسته‌ای ایران صرفاً صلح آمیز است دست کم نگیرد.

برای من روشن است که هر دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ایالت متحده آمریکا خواستار رسیدن به توافق است، اما به همان اندازه روشن است که هیچ یکی از آنها نمی‌خواهد به هر قیمتی به توافق برسند. که من فکر می‌کنم هر دو

آماده‌اند که میز مذاکره را ترک کنند به جای قبول کردن توافقی که به نظر آنها با نیازهای اساسی خود سازگار نیستند
نمی‌بینند. متأسفانه با استناد به موانع بزرگی که پیش روی شما و سایر مذاکره‌کننده‌گان امکان چنین نتیجه‌ای احتمال
واقعی است. اما من می‌دانم قبل از پذیرش چنین نتیجه تلخ - و گزینه‌های ناگواری که به دنبال آن خواهند آمد -
شما و هم‌تایانتان در گروه ۱+۵ و هیئت نمایندگی اتحاد اروپا از هیچ تلاشی برای پیدا کردن راه حلی که تمام طرفین آن
را به عنوان موفقیت به حساب بیاورند دریغ نمی‌کنید.

بر اساس تجربه من، یاد گرفته‌ام که اصطلاحات مثل "آخرین فرصت" را بکار نبرم. اما من معتقدم که این فرصت در
دست ممکن است بهترین فرصتی برای مدت مدیدی جهت حل و فصل این موضوع هسته‌ای باشد، و شاید موجب فراهم
کردن زمینه امیدوارکننده در جهت پرداختن به مشکلات دشواری که ایران و ایالت متحده آمریکا را برای مدت
طولانی از هم جدا کرده‌اند. اگر خدای ناکرده این فرصت از دست برود، ممکن است خیلی وقت می‌گذرد و در ضمن
قبل از آمدن فرصت دیگری اوضاع خیلی بدتر شود.

من آرزوی موفقیت برای شما و تمام شرکت‌کننده‌گان در هفته‌ها و ماه‌های آینده دارم.

ارادتمند شما،

باب اینهرن

موسسه بروکینگز

اگوست ۱۶، ۲۰۱۴